



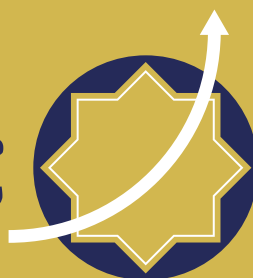
جنگ اوکراین

و تاثیر آن بر همراهی اروپا با آمریکا

در رقابت استراتژیک با چین

مهر ۱۴۰۳

مرکز تحلیل
راهبردی و بین الملل





باسمه تعالی

جنگ اوکراین و تاثیر آن بر همراهی اروپا با آمریکا در رقابت استراتژیک با چین

مهر ۱۴۰۳

مقدمه

در پس زمینه تشدید رقابت استراتژیک ایالات متحده و چین، اتحادیه اروپا اخیراً مسیر خود را تغییر داده و به بازتاب لفاظی‌ها و اقدامات آمریکا در مورد چین نزدیک شده است. در دوران ترامپ و پیش از جنگ روسیه و اوکراین، علی‌رغم تلاش‌های دولت بایدن، اروپا خودش را وارد در رقابت چین و آمریکا نمی‌دانست، اما جنگ اوکراین بستری را برای آمریکا فراهم کرد تا بتواند اروپا را در چالش‌های ژئوپلیتیک خود با چین همراه کند. اروپا هرچند تلاش می‌کند تا استقلال ظاهری خود را از آمریکا نشان دهد اما یکی از ستون‌های اصلی سیاست مهار چین آمریکا شده است.

رویکرد اروپا قبل از جنگ اوکراین به رقابت‌های استراتژیک چین و آمریکا

استراتژی امنیت ملی ترامپ ۲۰۱۷ چین را یک قدرت «تجدیدنظر طلب»^۱ می‌نامد که به دنبال ایجاد «جهانی مخالف ارزش‌ها و منافع ایالات متحده» است. در همین راستا ترامپ در سال ۲۰۱۸ جنگ تجاری با چین را آغاز می‌کند و رقابت با چین را در عرصه‌های مختلف فناوری، نظامی، حقوق بشر و... توسعه می‌دهد. در دولت بایدن نگاه‌های خصمانه به چین شدت می‌یابد و به مسئله اول دولت تبدیل می‌شود. استراتژی امنیت ملی بایدن^۲ چین را تنها رقیبی می‌بیند که قصد و توانایی برهم زدن نظم موجود بین‌المللی را دارد. لذا بایدن «رقابت استراتژیک» را به عنوان «چارچوب» روابط خود با چین اعلام می‌کند. و به تبعیت از دولت ترامپ و با قدرت بیشتر به بازنگری همه عناصر سیاست ایالات متحده و چین در قالب رقابت استراتژیک می‌پردازد. با وجود شتاب بالا در تغییر جهت روابط چین و آمریکا در چند سال گذشته، اروپا به عنوان متحد اصلی آمریکا برای خود را در این رقابت نقشی متصور نبود. اسناد بالادستی، سیاست‌ها و اقدامات اتحادیه اروپا، نگاه اندیشمندان و افکار عمومی تا قبل از جنگ روسیه و اوکراین نشان می‌دهد که اروپا خود را در رقابت میان چین و آمریکا وارد نمی‌دانسته است. تعداد زیادی از ابتکارات استراتژیک و سیاستی اتحادیه اروپا در سال‌های اواخر دهه گذشته و ابتدای این دهه نشان دهنده تمایل اروپا برای ایفای نقشی مستقل در برابر ایالات متحده و چین بوده است از جمله استراتژی جهانی ۲۰۱۶ اروپا که شامل مفهوم «استقلال استراتژیک» است.

۱. <https://trumpwhitehouse.archives.gov/wp-content/uploads/12/2017/NSS-Final-0905-2017-18-12.pdf>

۲. <https://www.whitehouse.gov/wp-content/uploads/10/2022/Biden-Harris-Administrations-National-Security-Strategy-10.2022.pdf>





مواضع صریح جوزپ بورل مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا در سال ۲۰۲۰ بیانگر امتداد سیاست استقلال استراتژیک اروپا در تقابل چین و آمریکا است:

«ما اروپایی‌ها باید نقشه‌های ذهنی‌مان را طوری تنظیم کنیم که با جهان آن‌طور که هست رفتار کنیم، نه آن‌طور که امیدوار بودیم... برای جلوگیری از بازنده شدن در رقابت امروز آمریکا و چین، ما باید زبان قدرت را دوباره یاد بگیریم و اروپا را به عنوان یک بازیگر درجه یک ژئواستراتژیک تصور کنیم.»^۳

شش ماه بعد بورل در اگوست ۲۰۲۰ ایده «دکترین سیناترا» اتحادیه اروپا را برای برخورد با قدرت‌های بزرگ رقیب ترویج می‌کند:

«اگر اتحادیه اروپا نمی‌خواهد در مناقشه بین آمریکا و چین باقی بماند، باید به جهان از دیدگاه خود نگاه کند و برای دفاع از ارزش‌ها و منافع خود که همیشه با منافع آمریکا منطبق نیست، اقدام کند. به طور خلاصه، اتحادیه اروپا باید کارها را «به روش خود» انجام دهد.»^۴

عدم همراهی اروپا با سیاست‌های آمریکا در تقابل با چین در اقدامات اجرایی نیز در این سالها قابل مشاهده است. به عنوان مثال زمانی که ترامپ در ماه می ۲۰۱۹ مهمترین حرکت خود را علیه قدرت رو به رشد فناوری چین در جلوگیری از استفاده از تجهیزات هوآوی در شبکه‌های مخابراتی آمریکا انجام داد اتحادیه اروپا با اینکه ارزیابی مشابهی در اکتبر ۲۰۱۹ از هوآوی کرده بود اما هیچ هماهنگی جدی و یا همکاری بین آمریکا و اتحادیه اروپا در این زمینه انجام نشد. تشویق‌های مکرر دولت ترامپ توانست همراهی برخی کشورهای اروپای مرکزی و شرقی اتحادیه اروپا را بدست آورد. اما، روش تهاجمی و تقابلی آن هم نتوانست حمایت کل بلوک از جمله اعضای کلیدی مانند آلمان و ایتالیا را جلب کند.

و یا در سال‌های ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰، زمانی که هنگ کنگ درگیر موج اعتراضات مکرر مرتبط با اصلاحات دموکراتیک و خودمختاری از سرزمین اصلی چین بود با وجود آنکه حقوق بشر مدت‌هاست که در روابط دوجانبه اتحادیه اروپا و آمریکا با چین موضوعی ثابت بوده اما، در مورد اعتراضات ۲۰۱۹-۲۰۲۰ هنگ کنگ، هیچ واکنش هماهنگ و معناداری از سوی اتحادیه اروپا و ایالات متحده ایجاد نشد. و نهایتاً اروپا در قالب بیانیه‌ای مشترک با کانادا و نه آمریکا نسبت به هنگ کنگ واکنش نشان داد.^۵ و ترامپ در نوامبر آن سال قانون حقوق بشر و دموکراسی هنگ کنگ را امضا کرد که مقامات چینی و هنگ کنگ مسئول نقض حقوق بشر در هنگ کنگ را تحریم می‌کند که با اقدام اروپا تناسبی ندارد.

۳. <https://www.project-syndicate.org/commentary/embracing-europe-s-power-by-josep-borrell-02-2020>

۴. https://www.eeas.europa.eu/eeas/sinatra-doctrine-how-eu-should-deal-us%E93%80%20china-competition_en

۵. https://www.eeas.europa.eu/eeas/joint-statement-federica-mogherini-and-minister-foreign-affairs-canada-chrystia-freeland-hong_en





در نگاه تحلیل‌گران روابط بین‌الملل نیز تا پیش از جنگ اوکراین نشانه‌ای از همراهی اروپا با آمریکا در تقابل با چین دیده نمی‌شود. برای نمونه دو مقاله‌ای را که در فاصله کمی از شروع جنگ روسیه و اوکراین نوشته شده است بررسی می‌کنیم. در این مقالات نویسندگان استدلال می‌کنند که آمریکا در جنگ با چین نیاز به همراهی اروپا دارد اما اروپا چین را به عنوان یک تهدید جدی نمی‌بیند.

مقاله اول را «استفان والت» در اکتبر ۲۰۲۱ در فارن پالسی با عنوان «آیا اروپا هرگز واقعاً با چین مقابله خواهد کرد؟»^۶ منتشر کرده است. والت با بیان اینکه دولت بایدن تمایل خود را برای به خدمت گرفتن مجموعه گسترده متحدان آمریکا در «رقابت استراتژیک» علیه چین نشان است، استدلال می‌کند که اگر چه متحدان آسیایی آمریکا انگیزه‌های زیادی برای مشارکت با آمریکا در مهار چین دارند اما اروپا با وجود آنکه به سیاست‌های چین واقف است اما نگران تهدید جدی برای خود از سمت چین نیست و انگیزه‌ای برای همراهی با آمریکا در این تقابل ندارد. والت استدلال می‌کند که پکن هیچ تهدیدی برای تمامیت ارضی هیچ یک از کشورهای اروپایی یا سایر عناصر اساسی امنیت ملی آن‌ها ایجاد نمی‌کند. و اکثر کشورهای اروپایی به طور قابل درک تمایلی برای به خطر انداختن روابط اقتصادی خود با چین ندارند.

والت همچنان تاکید می‌کند که بایدن معتقد است که ارزش‌های دموکراتیک مشترک می‌تواند اروپا و ایالات متحده را در یک ائتلاف بزرگ ضد چینی به هم پیوند دهد، اما او استدلال می‌کند که ضعف و چالش‌های امروز دموکراسی در اروپا و آمریکا و عدم توان پاسخگویی اروپا مانع آن می‌شود که اروپا با آمریکا برای توسعه دموکراسی در آن سوی جهان همراه شود. در نهایت والت استدلال می‌کند بر اساس تئوری موازنه تهدید، اروپایی‌ها اساساً بر خطراتی که نزدیک‌تر به کشورشان به وجود می‌آیند تمرکز می‌کنند و بیشتر کشورهای اروپایی به شدت از به خطر انداختن زندگی یا رفاه برای کمک به حفظ تعادل منطقه‌ای قدرت در آسیا بی‌میل خواهند بود.

مقاله دوم در ۲۲ سپتامبر ۲۰۲۱ به قلم ایوان کراستفیک از بنیانگذاران و مدیر شورای روابط خارجی اروپا با عنوان «اروپایی‌ها می‌خواهند از جنگ سرد جدید دوری کنند»^۷ منتشر می‌شود و نکات قابل توجهی از وضعیت افکار عمومی در رقابت چین و آمریکا دارد. بر طبق این مقاله متکی بر تحلیل‌ها از افکار عمومی اروپا، اولویت اروپا دورماندن از جنگ سرد بین آمریکا و چین است. نویسنده اشاره می‌کند نظرسنجی جدید شورای روابط خارجی اروپا (ECFR) از ۱۲ کشور عضو اتحادیه اروپا نشان می‌دهد که نزدیک به دو سوم شرکت‌کنندگان در نظرسنجی عقیده داشتند که جنگ سرد جدیدی بین چین و ایالات متحده در حال گسترش است، اما در این رویارویی بیشتر اروپایی‌ها احساس نمی‌کنند که کشورهای خودشان بخشی از جنگ سرد جدید باشد.

۶. <https://foreignpolicy.com/15/10/2021/will-europe-ever-really-confront-china/>

۷. <https://ecfr.eu/publication/what-europeans-think-about-the-us-china-cold-war/>





نویسنده استدلال می‌کند که در کوتاه مدت، هیچ تصویری از اینکه رابطه بین اتحادیه اروپا-ایالات متحده به نحوی در مورد چین و روسیه همسو شود، با افکار عمومی همخوانی ندارد و به چهار شکاف در نگاه افکار عمومی اروپا و آمریکا به چین اشاره می‌کند که اتحاد سنتی فراتلانتیک را تهدید می‌کند. اولین مورد مربوط به چارچوب بندی دولت بایدن از چالش‌های ناشی از چین و روسیه است. تصویر آمریکا از سناریوی «جنگ سرد»^۸ که در آن غرب متحد در برابر استبداد می‌ایستد، دیدگاه‌های اروپایی را منعکس نمی‌کند. مجموعه داده‌های شورای روابط خارجی اروپا نشان می‌دهد که اکثریت اروپایی‌ها چین را تهدیدی برای شیوه زندگی خود نمی‌دانند. آن‌ها بر این باور نیستند که تمایز بین دموکراسی و خودکامگی، تمایزی است که جهان را شکل می‌دهد. بیشتر پاسخ دهندگان به نظرسنجی فکر می‌کنند که ماهیت یک رژیم سیاسی خاص به اندازه کافی شکست یا موفقیت دولت‌ها را در مقابله با همه‌گیری کرونا یا تغییرات آب و هوایی توضیح نمی‌دهد. حتی در مورد کمک به امنیت جهانی، تنها ۵۰ درصد موافقند که دموکراسی‌ها بهتر از حکومت‌های استبدادگر عمل می‌کنند، در حالی که ۳۶ درصد معتقدند که نوع رژیم تفاوتی ایجاد نمی‌کند.

چالش بعدی سیاستگذاران برای جلب حمایت عمومی در صورت درگیری، عدم توافق بین اروپایی‌ها بر سر وجود تهدید وجودی است. تعداد کمی از اروپایی‌ها فکر می‌کنند چین قدرت ایجاد چنین تهدیدی را دارد. تنها ۵ درصد اروپایی‌ها بر این باورند که چین «بر جهان حکومت می‌کند». نظرسنجی انجام شده توسط شورای روابط خارجی اروپا در سال ۲۰۲۰ نشان می‌داد که از هر ۱۰ شهروند در آلمان و فرانسه فقط ۱ نفر فکر می‌کند که کشورشان به شدت به تضمین امنیتی آمریکا وابسته است و تقریباً یک سوم مردم در هر دو کشور فکر می‌کردند که «اصلاً» به ضمانت نیاز ندارند. در نظرسنجی شورای روابط خارجی اروپا وقتی از پاسخ دهندگان اروپایی پرسیده می‌شود که چه کسی بیشترین قدرت را در جهان دارد، اکثر آن‌ها روی قدرت‌های بزرگ تمرکز نمی‌کنند. این نظرسنجی نشان داد که تنها ۱۳ درصد از اروپایی‌ها فکر می‌کنند که دولت آمریکا بیشترین تأثیر را بر نحوه اداره جهان دارد.

چالش سوم از جغرافیا ناشی می‌شود. اروپایی‌ها فکر می‌کنند درگیری ایالات متحده و چین ابعادی جهانی دارد، اما محلی برای اروپا ندارد و احتمالاً صحنه اصلی رویارویی در آسیا خواهد بود.

چالش چهارم به نوعی مرتبط با اتحاد‌های اروپا و استقلال استراتژیک آن می‌شود. در سالهای اخیر، حداقل برخی از کشورهای عضو اتحادیه اروپا به جای پیروی از یک خط مشترک، تلاش می‌کنند تا با مخالفت با شرکای خود در اتحادیه اروپا یا ناتو، ظرفیت خود را برای قدرت مستقل بودن ثابت کنند.

۸. در نظرسنجی جنگ سرد نوعی درگیری تعریف شده که مستلزم اقدام نظامی مستقیم نیست بلکه ممکن است شامل اقدامات اقتصادی یا سیاسی (مانند تحریم، تبلیغات، درگیری‌های نیابتی و غیره) باشد





برخی از شهروندان اروپایی این را در عملکردهای مستقل از فعالیت مشترک با ایالات متحده و سایر متحدان قابل دستیابی می‌بینند. در نظرسنجی پان‌اروپایی شورای روابط خارجی اروپا در سال ۲۰۱۹، اکثریت بزرگی از پاسخ‌دهندگان گفتند که ترجیح می‌دهند در درگیری بین ایالات متحده و چین یا روسیه، به جای همسویی با واشنگتن، بی‌طرف بمانند. از زمان انتخاب بایدن به عنوان رئیس‌جمهور ایالات متحده، حداقل نیمی از رای‌دهندگان در هر کشور مورد بررسی همچنان مایلند که دولت آن‌ها در درگیری بین ایالات متحده و چین بی‌طرف بماند. نویسندگان این مقاله در نهایت هشدار می‌دهند که وضعیت فعلی اروپا نشان می‌دهد که اجماع اجتماعی در پشت سر مهار چین وجود ندارد و هرگونه تلاش سیاستگذاران خارجی در واشنگتن و بروکسل برای آماده شدن برای مبارزه «همه‌جامعه» علیه حکومت‌های استبدادی در پکن و مسکو با چالش رو به روست.

این نظرسنجی‌ها که به نظر برای آماده کردن اروپا برای همراهی آمریکا در رقابت با چین طراحی شده است نشان می‌دهد که پیش از جنگ روسیه آمریکا چند معضل اساسی برای همراهی اروپا با خود دارد. اروپا رقابت بین دموکراسی‌ها و حکومت‌های استبدادی را جدی نمی‌بیند، چین را تهدید وجودی برای خود نمی‌بیند و در نهایت نمی‌خواهد به آمریکا وابسته باشد. به نظر می‌رسد، سیاست‌های آمریکا در سه سال بعد از این تاریخ تقویت‌کننده این ضعف‌های اروپا در همراهی آمریکا برای مقابله با چین است.

تلاش‌های دولت بایدن برای همراهی اروپا

مهمترین تمایز دولت بایدن و ترامپ در رقابت استراتژیک با چین آن بود که دولت بایدن مشارکت با متحدان خصوصاً اروپا را به عنصر اصلی استراتژی چین خود تبدیل کرد. سیاست‌گذاران در دولت ترامپ هرچند به نقش برجسته کشورهای اروپایی و دیگر متحدان آمریکا در مقابله با چین پی‌برده بودند اما در آن زمان این تصور وجود داشت که آمریکا اهرم کافی برای اعمال فشار بر چین بدون ضرورت همراهی با متحدانش را دارد. تلاش‌های دولت ترامپ آزمایش واقعی برای آشکار کردن محدودیت‌های رویکرد یکجانبه‌گرایی آمریکا بود. از همین رو در دولت بایدن «تقویت اتحاد‌های آمریکا با متحدان و شرکای سنتی» به یکی از ستون‌های اصلی استراتژی امنیت ملی دولت تبدیل می‌شود. همراه کردن متحدان در شرق آسیا به دلیل انگیزه‌های منطقه‌ای موجود برای آمریکا سهل‌تر به نظر می‌رسید، اما همراهی اروپا که تهدید جدی از سمت چین در نسبت با خودش قائل نبود، کار آسانی به نظر نمی‌رسید.





از ابتدای دولت بایدن، مقامات تلاش‌های زیادی برای همراهی اروپا با سیاست‌های ضد چینی خود می‌کنند. دولت بایدن در ابتدای امر مانع از توافق سرمایه‌گذاری اتحادیه اروپا و چین می‌شود.^۹ بایدن در فوریه ۲۰۲۱، در کنفرانس امنیتی مونیخ با تاکید بر اتحاد دموکراسی‌ها از رهبران اروپایی می‌خواهد که با دولت او در مورد «مهمترین چالش» قرن ۲۱ همکاری کنند و برای یک رقابت استراتژیک بلند مدت با چین با هم متحد شوند.^{۱۰}

پاسخ‌های مرکل، صدراعظم آلمان و ماکرون، رئیس‌جمهور فرانسه در این کنفرانس نشان از عدم همراهی اروپا با آمریکا دارد. مرکل نیاز به گفتگوی فرآتلانتیک در مورد چین را تایید می‌کند، اما انتظارات را کاهش می‌دهد و می‌گوید، «منافع ما همیشه به هم نزدیک نخواهد شد». ماکرون هم درخواست بایدن در مورد چین را به طور کامل نادیده می‌گیرد و از خودمختاری استراتژیک قاطعانه دفاع می‌کند. ماکرون استدلال می‌کند که اروپا باید مراقب خود باشد و از وابستگی به ایالات متحده فراتر رود. این یک سیگنال اولیه برای بایدن و دولت جدید او بود که اروپا، علیرغم نگرانی‌ها در مورد توسعه سیاسی و اقتصادی چین، شریک آسانی در اولویت اصلی سیاست خارجی آمریکا نخواهد بود.^{۱۱}

پس از آن در ژوئن ۲۰۲۱، «دفاع دموکراسی‌ها در نبرد علیه اقتدارگرایی» محور اولین سفر گسترده دولت بایدن به اروپا می‌شود. بایدن تلاش زیادی برای همراه کردن اروپا برای مقابله با چین خول این مفهوم می‌کند. اما به نظر می‌رسد در این سفر توفیق چندانی بدست نیاورد. هر چند در بیانیه پایانی گروه هفت بر خلاف بیانیه‌های قبلی به نقض حقوق بشر و چالش‌های اقتصادی با پکن اشاره شد اما رهبران اروپایی در مقابل خواسته بایدن برای پاسخگویی به چین مقاومت نشان دادند.^{۱۲} در نشست ناتو هم بایدن از رهبران ناتو می‌خواهد تا در برابر اقتدارگرایی و قدرت نظامی رو به رشد چین بایستند. اما بیانیه ناتو در این نشست در حالی که روسیه را یک تهدید امنیتی طبقه‌بندی می‌کند، چین را یک چالش می‌خواند. و صرفاً به نقش چین در اروپا و نه در سایر مناطق می‌پردازد.^{۱۳}

در همین سفر، شورای تجارت و فناوری آمریکا و اروپا (TTC) برای هماهنگ کردن رویکردها در مورد مسائل کلیدی تجارت، اقتصادی و فناوری جهانی و تعمیق روابط تجاری و اقتصادی فرآتلانتیک بر اساس ارزش‌های دموکراتیک مشترک راه اندازی می‌شود. اما اورسولا فون در لاین، رئیس کمیسیون اروپا در همین زمان همچنان بر فاصله اروپا از آمریکا در نگاه به چین تاکید می‌کند، او بیان می‌کند که «سوابق چین در زمینه حقوق بشر موضوع اصلی است که این کشور را از اتحادیه اروپا جدا می‌کند و آن را به یک رقیب سیستمی برای این اتحادیه تبدیل می‌کند».^{۱۴}

۹. <https://www.politico.eu/article/eu-china-investment-deal-no-show-us-forced-labor/>

۱۰. <https://www.whitehouse.gov/briefing-room/speeches-remarks/19/02/2021/remarks-by-president-biden-at-the-2021-virtual-munich-security-conference/>

۱۱. <https://www.gmfus.org/news/closing-window-transatlantic-cooperation-china-under-biden>

۱۲. <https://edition.cnn.com/13/06/2021/politics/takeaways-from-biden-at-the-g7/index.html>

۱۳. https://www.nato.int/cps/en/natohq/news_185000.htm

۱۴. <https://www.reuters.com/world/eu-says-china-is-systemic-rival-human-rights-is-main-issue-15-06-2021/>





ارزیابی‌های آن زمان نشان می‌دهد که سیاست ایالات متحده در مورد چین در اروپا مورد حمایت زیادی قرار نگرفت و دولت بایدن تا پیش از جنگ اوکراین به کندی می‌توانست دیدگاه خود در مورد چین را به متحدینش در اروپا منتقل کند. و اروپا به دلیل نگاه متفاوت به چین، وابستگی‌های اقتصادی بسیار به چین، بی‌اعتمادی ایجاد شده به آمریکا در دوران ترامپ، و... در پذیرش نگاه آمریکا مقاومت می‌کرد. علاوه بر این تداوم تصمیمات یکجانبه آمریکا به طور مثال در پیمان امنیتی اکواس با حضور آمریکا و استرالیا و بریتانیا، اروپا را از آمریکا دور نگاه می‌داشت.

جنگ اوکراین و تاثیر آن بر روابط چین و اروپا

در حالیکه در سال ۲۰۲۱ هیچ ارزیابی نمی‌توانست ادعا کند که دو طرف به صراحت در مسیر ایجاد یک ائتلاف موثر در برخورد با چین هستند، آغاز جنگ بین روسیه و اوکراین در فوریه ۲۰۲۲، اروپا را با بحرانی مواجه می‌کند که زمینه را برای تحقق اتحاد اروپا با آمریکا علیه چین و همراهی با سیاست‌های آمریکایی ضد چینی فراهم می‌کند.

اگر چه ممکن است به نظر برسد که جنگ اوکراین نگاه آمریکا را از معضل امنیتی که در شرق آسیا برای خود تعریف کرده به سمت اروپا و روسیه معطوف کرده است اما مدیریت جنگ اوکراین نشان می‌دهد که بر عکس آمریکا از جنگ اوکراین برای تشدید رقابتها علیه چین و همراه کردن متحدینش در این نبرد استفاده کرده است. و همانطور که وزارت دفاع ایالات متحده (۲۰۲۲) مطرح می‌کند استراتژی اساسی دولت بایدن حمایت از اوکراین و در عین حال حفظ تمرکز بر چین به عنوان «صحنه اولویت‌دار» آمریکا است.^{۱۵}

چند رویکرد روایی را در سیاست‌های آمریکا نسبت به چین در میانه مدیریت جنگ اوکراین می‌توان بررسی کرد: آشکارترین و فوری‌ترین اثر جنگ اوکراین بر روابط فرا ائتلافی در حوزه امنیتی بود. اروپای حامی خودمختاری استراتژیک، با شوک ناشی از جنگ مواجه می‌شود. ترس از فراگیر شدن جنگ و ناتوانی اروپا در مدیریت آن، اروپا را مجبور می‌کند تا بار دیگر امنیت خود را محتاج آمریکا ببیند. در عمل، این جنگ مرکزیت ایالات متحده را به عنوان تضمین کننده امنیت اروپا آشکار کرده و اروپا را ناچار می‌کند که به تقویت و احیای اتحاد‌های امنیتی با آمریکا بازگردد. از سوی دیگر، آمریکا جنگ اوکراین را نبرد دموکراسی‌ها و اقتدارگراها می‌نامد. خط مشابتهت سازی چین و روسیه در این عرصه پیگیری می‌شود. آمریکا این روایت را توسعه می‌دهد که جنگی که امروز در اروپا رخ داده می‌تواند هر جای دیگری توسط حکومت‌های استبدادی علیه دموکراسی‌ها رخ دهد مگر آنکه غرب و دموکراسی‌ها جلوی آن را بگیرند. وضعیت امروز اروپا وضعیت فردای آسیاست و جنگ امروز اوکراین جنگ فردا در تایوان است. در همین زمان خط احتمال حمله زود هنگام چین به تایوان هم پررنگ می‌شود.

۱۵. <https://www.defense.gov/News/News-Stories/Article/Article/2961183/>





آمریکا، روسیه و چین را تهدیدهایی مشابه برای صلح و نظم جهانی، و اوکراین و تایوان را به عنوان قربانیان مشابه نشان می‌دهد. «این ایده که این دو صحنه متفاوت هستند، دیگر منطقی نیست. بین اینها پیوندهای بسیار قوی وجود دارد».^{۱۶} این روایتها به دولت بایدن این امکان را داد که یک ائتلاف ضد استبدادی با شرکای اروپایی و آسیا-اقیانوسیه خود ایجاد کند.

به عنوان شاهدهی دیگر بر این خط، بلینکن وزیر خارجه آمریکا در ۲۶ می ۲۰۲۲ در تشریح سیاست‌های کلی دولت بایدن علیه چین، با اشاره به روابط شی و پوتین می‌گوید، «دفاع پکن از جنگ پوتین برای از بین بردن حاکمیت اوکراین و تامین حوزه نفوذ در اروپا باید زنگ خطر را برای همه ما که منطقه هند و اقیانوس آرام را خانه می‌دانیم، به صدا درآورد».^{۱۷}

در نتیجه این سیاست روابط بین آتلانتیک تقویت شد. ناتو که تا پیش از جنگ در وضعیت مطلوبی قرار نداشت توانست برنامه‌های دفاعی خودش را توسعه دهد و علاوه بر تقویت بنیه دفاعی خود در برابر روسیه جهت‌گیری‌های تیزتری را در مقابل چین اتخاذ کرد. در ژوئن ۲۰۲۲، ناتو برای اولین بار در سند «مفهوم استراتژیک» خود به طور مفصل به چین و چالش‌هایی که برای امنیت، منافع و ارزش‌های متحدین ناتو ایجاد می‌کند، می‌پردازد. چین و روسیه را در خط مقدم کشورهای اقتدارگرا معرفی می‌کند که دموکراسی‌ها را به چالش می‌کشند.^{۱۸} همکاری امنیتی ناتو با شرکای کلیدی در منطقه هند و اقیانوسیه از جمله ژاپن، کره جنوبی، استرالیا و نیوزلند افزایش می‌یابد. این شرکا در سال ۲۰۲۲ و بعد از آن به نشست ناتو دعوت می‌شوند. و گفتگوهایی برای افتتاح دفتر رسمی ناتو در ژاپن جریان می‌گیرد. که همه اینها ادعای استولتنبرگ دبیرکل ناتو در سال ۲۰۱۹ مبنی بر اینکه ناتو به سمت دریای چین جنوبی حرکت نمی‌کند،^{۱۹} را رد می‌کند.

در همین زمان آمریکا بحث‌های امنیتی اقتصادی را در داخل علیه چین توسعه می‌دهد. تصویب قانون کاهش تورم برای رهایی از وابستگی به چین در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر، قانون تراشه‌ها و اعمال محدودیت بر سرمایه‌گذاری چین قوانینی بود که آمریکا برای آنکه بتواند با موفقیت به واسطه آن‌ها چین را مهار کند نیازمند همراهی سایر بازیگران این عرصه بود. علی‌رغم اتحاد اولیه ناشی از نگرانی‌های امنیتی، اروپا در همراهی با محدودیت‌های فنی و اقتصادی آمریکا تردید داشت. و اختلافات در مدل برخورد با چین در اروپا همچنان ادامه داشت. به طور مثال کشورهای اروپایی حاضر نبودند محدودیت‌های آمریکا در صادرات تراشه و فناوری‌های مرتبط با آن را به چین بپذیرند. و در کل نگرانی از چین به رویکرد تقابلی اروپا در عرصه اقتصادی و فناوری منجر نشده بود. لذا خط روایت‌های دیگر در میانه جنگ رشد می‌کند.

۱۶. <https://www.whitehouse.gov/briefing-room/press-briefings/21/05/2022/background-press-call-by-a-senior-administration-official-previewing-president-bidens-third-day-in-the-republic-of-korea/>

۱۷. <https://www.state.gov/the-administrations-approach-to-the-peoples-republic-of-china/>

۱۸. https://www.nato.int/nato_static_fl2014/assets/pdf/6/2022/pdf/220629-factsheet-strategic-concept-en.pdf

۱۹. <https://www.cnbc.com/02/12/2019/jens-stoltenberg-rising-power-china-must-be-addressed-by-nato.html>





اروپا که در اثر جنگ اوکراین با بحران انرژی از سوی روسیه مواجه شده است حرکت به سمت انرژی‌های تجدیدپذیر را شتاب می‌دهد. آمریکا این خط روایت و نگرانی را دنبال می‌کند که وابستگی به چین در فناوری‌های انرژی‌های نوظهور و مواد معدنی حیاتی مورد نیاز این صنعت که در هر دو چین برتری دارد، می‌تواند خطر روسیه را بار دیگر در تقابل با چین تکرار کند. مقامات دولت بایدن مکرر به اروپا هشدار می‌دهد که به سرعت کربن‌زدایی کرده و زنجیره تامین را از کنترل چین دور نگه دارند.

جفری پیات دستیار وزیر امور خارجه آمریکا در پس گفتگو در مورد استفاده تسلیحاتی روسیه از انرژی علیه اروپا نسبت به سایر رقبا هشدار می‌دهد:

«امنیت انرژی مسئله اساسی جهانی است... ما رقبا و مخالفانی در سراسر جهان داریم که می‌خواهند بر زنجیره‌های تامین تسلط پیدا کنند، و مرزهای مستقل ما را زیر سوال ببرند.»^{۲۰}

جان پودستا، مشاور انرژی کاخ سفید در کنفرانس انرژی سراویک^{۲۱} هم به صراحت از تکرار وابستگی هشدار می‌دهد: «این کنفرانس اتکای تاریخی اروپا به سوخت روسیه را به عنوان نمونه‌ای از خطرات تکیه بر رقبا جهانی ذکر کرد. ما باید مطمئن شویم که زنجیره‌های تامین ایمن هستند و آنچه را که در مورد سوخت‌های فسیلی روسیه شاهد بودیم تکرار نکنیم.»^{۲۲}

برای تکمیل این خط روایت و برای آنکه اروپا حاضر به اعمال محدودیت اقتصادی و فناوری بر چین شود خط روایت دیگری یعنی «کمک‌های فنی و اقتصادی چین با روسیه در جنگ اوکراین» به مرور پررنگ می‌شود. آمریکا طی دو سال گذشته این روایت را پرورش می‌دهد که غلبه و توان روسیه برای ادامه جنگ علیه اروپا ناشی از کمک‌های اساسی است که چین به پایگاه صنعتی دفاعی روسیه می‌کند. اولین بار در مارس ۲۰۲۲ کاخ سفید گفت که بایدن در دیدار با شی به چین توصیف کرده است که در صورتی که از حملات روسیه در اوکراین حمایت مادی کند با چه عواقبی مواجه خواهد شد.^{۲۳}

^{۲۰}. <https://www.euractiv.com/section/energy-environment/news/how-america-is-pushing-its-energy-interests-in-europe/>

^{۲۱}. CERAWEEK

^{۲۲}. <https://www.reuters.com/business/energy/ceraweeek-dont-let-china-control-clean-energy-supply-chain-us-officials-warn-09-03-2023/>

^{۲۳}. <https://www.whitehouse.gov/briefing-room/statements-releases/18/03/2022/readout-of-president-joseph-r-biden-jr-call-with-president-xi-jinping-of-the-peoples-republic-of-china-2/>





بعدتر بلینکن بدون ارائه شواهد مدعی شد که چین در حال بررسی ارائه حمایت مرگبار از روسیه در جنگ اوکراین است.^{۳۴} نهایتاً در آوریل ۲۰۲۴ میلر، سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا در یک نشست خبری گفت:

«آنچه در ماه‌های گذشته دیده‌ایم این است که موادی از چین به روسیه منتقل شده‌اند که روسیه از آن‌ها برای بازسازی پایگاه صنعتی و تولید سلاح‌هایی که در میدان‌های نبرد در اوکراین بکار می‌برد، استفاده کرده است.»^{۳۵}

به دنبال این ادعا بلینکن به صراحت به وزرای خارجه اتحادیه اروپا و ناتو هشدار می‌دهد که پکن در حال کمک به مسکو «در مقیاس نگران‌کننده» و ارائه «ابزار، ورودی و تخصص فنی» است و از وزرای خارجه اروپایی می‌خواهد تا نگرانی‌های خود را مستقیماً با چین در جلسات دوجانبه خود مطرح کنند و در مورد نهادها و شرکت‌هایی که پایگاه صنعتی روسیه را تقویت می‌کنند، اقدام مناسب انجام دهند.^{۳۶}

در ادامه این هشدار به مقامات اروپایی بلینکن چین را تهدید می‌کند که تقویت پایگاه صنعتی دفاعی روسیه نه تنها امنیت اوکراین را تهدید می‌کند، امنیت اروپا را هم تهدید می‌کند. و پکن در حالیکه از بزرگترین تهدید علیه امنیت اروپا از زمان پایان جنگ سرد حمایت می‌کند نمی‌تواند به روابط بهتری با اروپا دست یابد و اگر چین به این مشکل رسیدگی نکند، ما به آن رسیدگی خواهیم کرد.^{۳۷}

در کنار این، واشنگتن از پایتخت‌های اروپایی می‌خواهد که موضع محکم‌تری از نظر اقتصادی و نه فقط دیپلماتیک در برابر پکن اتخاذ کنند.^{۳۸} این روایت در کنار روایتی که تمایل چین برای استفاده سیاسی از کنترل‌های اقتصادی و شیوه‌های تجاری ناعادلانه برای دستیابی به برتری در تجارت و فناوری را نشان می‌دهد، اروپا به سمت اقدامات عملی برای مقابله و مهار چین می‌رود.

بزرگترین دستاورد این خط روایت را می‌توان سیاست «ریسک‌زدایی» دانست که اورسولا فون در لاین، رئیس کمیسیون اروپا در مارس ۲۰۲۳ به عنوان پارادایم استراتژیک برای هدایت روابط اروپا با چین مطرح می‌کند و آن را در مقابل سیاست جدایی آمریکا قرار می‌دهد. فون در لاین تصریح می‌کند که پکن به جای اصلاحات و گشایش در تلاش برای امنیت و کنترل است و هدف آن تغییر سیستمی نظم بین‌المللی است. چین می‌خواهد خود را کمتر به جهان و جهان را بیشتر به چین وابسته کند. او از سه گانه اتحادیه اروپا برای توصیف چین به عنوان «شریک، رقیب و حریف سیستمی» صرف نظر می‌کند و بر نیاز به حداقل کردن ریسک فعال، استراتژیک و چند بعدی در معاملات اروپا با چین تاکید می‌کند.^{۳۹}

۳۴. <https://www.cbsnews.com/news/antony-blinken-face-the-nation-transcript-2023-19-02/>

۳۵. <https://www.reuters.com/world/blinken-raise-chinas-support-russias-defense-industrial-base-during-visit-16-04-2024/>

۳۶. <https://www.ft.com/content/ba524406-ee6c-4c9-39ac110-2a2549569a>

۳۷. <https://www.state.gov/secretary-antony-j-blinken-at-a-press-availability-48/>

۳۸. به عنوان شاهدی دیگر، آدیمو، معاون وزیر خزانه داری آمریکا در می ۲۰۲۴ در سخنرانی با رهبران تجاری آلمان هشدار می‌دهد که «شرکت‌های چینی یا می‌توانند ماشین جنگی روسیه را به کالاهای دو منظوره مجهز کنند یا در اقتصاد ما تجارت کنند. آن‌ها نمی‌توانند هر دو را داشته باشند. کرملمین می‌داند که تنها با کمک چین می‌تواند به اهداف نظامی خود دست یابد. لذا هر کشور در ائتلاف ما و هر عضو ناتو باید به طور مداوم و واضح به پکن اعلام کند که حمایت چینی‌ها از پایگاه نظامی-صنعتی روسیه غیرقابل قبول است

<https://www.ft.com/content/e4e79fd64-4da-44ff-917e-053ac20b467f>

۳۹. https://www.lemonde.fr/en/united-states/article/02/03/2023/biden-to-host-eu-chief-von-der-leyen-on-march-133_6017969_10.html

۳۰. <https://ecfr.eu/publication/keeping-america-close-russia-down-and-china-far-away-how-europeans-navigate-a-competitive-world/>





به دنبال این راهبرد، در ژوئن ۲۰۲۳ کمیسیون اروپا «استراتژی امنیت اقتصادی اروپا»^{۳۱} را در برابر نفوذ چین منتشر می‌کند و برای نگرانی‌های اروپا در مقابل چین از جمله خطرات ناشی از انعطاف پذیری زنجیره تامین خصوصاً امنیت انرژی، خطرات ناشی از امنیت فیزیکی و سایبری زیرساخت‌های حیاتی، خطرات مربوط به امنیت فناوری و نشأت فناوری، خطرات تسلیحاتی شدن وابستگی‌های اقتصادی یا اجبار اقتصادی چین ابتکاراتی را پیشنهاد می‌کند. ابتکارات مطرح شده شامل اتخاذ کنترل‌های صادراتی قوی‌تر، تقویت غربالگری‌های سرمایه‌گذاری‌های خارجی در اروپا، شناسایی خطرات سرمایه‌گذاری در فناوری‌های خاص و... می‌شود.

در راستای اجرایی کردن این راهبردها در یک سال گذشته اتحادیه اروپا با هدف تقویت کنترل‌های صادراتی، تحقیقات متعددی را در رابطه با واردات از چین آغاز کرده‌است. تحقیقات در مورد واردات خودروهای الکتریکی، توربین‌های بادی چینی، تحقیقات ضد دامپینگ در مورد برخی محصولات فولادی و... که در حال حاضر تحقیقات در مورد خودروها منجر به اعمال تعرفه ۴۵ درصدی بر واردات خودروهای الکتریکی چینی شده است و تنش‌ها بین چین و اروپا را افزایش داده است.

- در زیر به تعدادی از مواضع مشترک و همکاری‌های آمریکا و اروپا در قبال برخورد با مسائل چین اشاره می‌کنیم:
- تصویب قوانین مرتبط با تراشه‌ها و مواد معدنی حیاتی بخشی دیگر از تلاش‌های اروپا در راستای تبعیت از سیاست‌های آمریکایی برای کنترل چین است. همراهی هلند در قانون تراشه‌های آمریکا برای محدود کردن دسترسی چین به تراشه‌های پیشرفته در همین راستا قابل بررسی است.
 - همراهی اروپا با آمریکا در اعمال تحریم‌ها علیه چین است. در بسته‌های تحریمی یازدهم و دوازدهم اتحادیه اروپا علیه روسیه، تلاش‌های آمریکا موفق نبود. پیش‌نویس بسته یازدهم، شامل دو شرکت چینی در سرزمین اصلی بود که در نهایت در تصویب نهایی حذف شدند. در بسته تحریمی دوازدهم هم شرکت‌های چینی به طور کامل از مصوبه حذف شدند. اما در بسته چهاردهم تحولی در استراتژی اروپا نسبت به چین شاهد هستیم. این بسته تحریمی اتحادیه اروپا علیه روسیه که در ۲۴ ژوئن ۲۰۲۴ تصویب شد، شامل شش شرکت چینی در سرزمین اصلی بود که با این عنوان که «مستقیماً از مجتمع نظامی و صنعتی روسیه در جنگ آن علیه اوکراین حمایت می‌کنند». این تصمیم برای مقابله با دومین اقتصاد بزرگ جهان نشان‌دهنده شروع یک استراتژی تحریمی است که در سابقه اروپا نسبت به چین وجود نداشته است.

^{۳۱}. An EU approach to enhance economic security





- شورای تجارت و فناوری (TTC) که در سال ۲۰۲۱ برای تعمیق روابط تجاری و اقتصادی فراتلانتیک بر اساس ارزش های دموکراتیک مشترک راه اندازی شده بود در عمل به مکانیزمی برای همکاری فرا آتلانتیک برای مقابله با چین تبدیل شده است. ۱۰ گروه کاری آن، از جمله استانداردهای فناوری، زنجیره تامین ایمن، کنترل صادرات و غربالگری سرمایه گذاری نگرانی های آمریکا در مورد چین را هماهنگ می کند.^{۳۳} بیانیه مشترک صادر شده در سومین نشست شورا در دسامبر ۲۰۲۲ بیان می کند که به «ایجاد درک مشترک از دستورالعمل های اقتصادی و صنعتی چین و سایر سیاست ها و شیوه های غیربازاری ادامه دهید و اقدامات هماهنگ را برای تقویت تنوع زنجیره تامین، ایجاد انعطاف پذیری در برابر اجبار اقتصادی و کاهش وابستگی ها توسعه دهید».^{۳۳}
- بیانیه نشست آمریکا - اروپا در سال ۲۰۲۳ با اشاره به چین بر همسویی مواضع آمریکا و اروپا در قبال چین تاکید می کند. «ما وابستگی ها و آسیب پذیری های حیاتی در زنجیره تامین خود را کاهش خواهیم داد. ضرورت حفاظت از برخی فناوری های پیشرفته را که می توانند برای تهدید صلح و امنیت جهانی مورد استفاده قرار گیرند تشخیص می دهیم. مقاومت در برابر اجبار اقتصادی را تقویت خواهیم کرد و به چالش های ناشی از سیاست ها و شیوه های غیربازاری رسیدگی خواهیم کرد».^{۳۴}
- اتخاذ مواضع در زمینه حقوق بشر هرچند جز سیاست های سابقه دار اروپا در قبال چین بوده است اما در این دوران علی رغم دوران قبل شاهد همراهی اروپا برای اتخاذ مواضع مشترک با آمریکا هستیم. «قانون پیشگیری از کار اجباری اویغورها» در ژوئن ۲۰۲۲ در آمریکا اجرایی شد. بلینکن در همین زمان اعلام کرد که آمریکا متحدانش را علیه کار اجباری گرد هم می آورد.^{۳۵} به دنبال این نظر در همان ماه، قطعنامه پارلمان اتحادیه اروپا در مورد وضعیت حقوق بشر در سین کیانگ، از کمیسیون اروپا می خواهد «پیشنهاد ممنوعیت واردات همه محصولات تولید شده با کار اجباری در سین کیانگ را ارائه دهد».^{۳۶} در سپتامبر ۲۰۲۲، کمیسیون «پیشنهاد مقررات مربوط به ممنوعیت محصولات تولید شده با کار اجباری در بازار اتحادیه» را منتشر کرد.^{۳۷}

افکار عمومی پس از جنگ

در آوریل ۲۰۲۳، شورای روابط خارجی اروپا یک نظرسنجی در ۱۱ کشور عضو اتحادیه اروپا انجام داد که می توان با مقایسه آن با نظر سنجی ۲۰۲۱ این شورا به بررسی اثر این تحولات بر افکار عمومی اروپا در مورد رقابت چین و آمریکا پرداخت. هرچند نظر سنجی نتایج تنها نیمی از سیاست های دوران جنگ را نشان می دهد و می تواند این نظرات اکنون پس از یک سال و نیم تغییراتی داشته باشد.

^{۳۲}. <https://ustr.gov/useuttc>

^{۳۳}. <https://www.whitehouse.gov/briefing-room/statements-releases/05/12/2022/u-s-eu-joint-statement-of-the-trade-and-technology-council/>

^{۳۴}. <https://www.whitehouse.gov/briefing-room/statements-releases/20/10/2023/u-s-eu-summit-joint-statement/>

^{۳۵}. <https://www.euractiv.com/section/china/news/allies-to-follow-us-lead-on-banning-xinjiang-forced-labor-goods/>

^{۳۶}. https://www.europarl.europa.eu/doceo/document/TA-0237-2022-9_EN.html

^{۳۷}. <https://eur-lex.europa.eu/legal-content/EN/TXT/?uri=celex%3A52022PC0453>





به طور کلی نتایج این نظرسنجی نشان می‌دهد که انگیزه‌های همکاری آن‌ها به کندی با واقعیت جدید ژئوپلیتیکی که با قطبی شدن فزاینده مشخص می‌شود، سازگار می‌شود. شهروندان اروپایی می‌خواهند در مناقشه آمریکا و چین بی‌طرف بمانند و تمایلی به حذف خطر از جانب چین ندارند.

یافته‌های این نظرسنجی نشان می‌دهد که اروپایی‌ها چین را قدرتی نمی‌دانند که اروپا را به چالش می‌کشد و می‌خواهد آن را تضعیف کند، و چارچوب «دموکراسی در مقابل خودکامگی» را که توسط دولت بایدن ترویج می‌شود، نمی‌پذیرند. تقریباً در هر کشوری که در آن نظرسنجی انجام شده، دیدگاه غالب این است که چین «شریک ضروری» اروپا و کشور مربوطه است.

در حالیکه ۷۰ درصد از پاسخ دهندگان چین و روسیه را به عنوان شرکای نزدیک می‌شناسند. اما این شراکت آن‌ها را به این نتیجه نرسانده که اروپا باید از چین جدا شود. به طور متوسط تنها ۲۲ درصد از اروپایی‌ها روابط اقتصادی منطقه با چین را دارای خطرات بیشتری نسبت به منافع آن می‌دانند.

در همین حال، با توجه به تجربه وابستگی به انرژی روسیه و بحران انرژی ناشی از آن آن، به نظر نمی‌رسد اروپایی‌ها آن را به ارتباط با چین مرتبط کنند. دیدگاه غالب تقریباً در هر کشوری که در نظرسنجی در آن انجام شده این است که خطرات و مزایای روابط تجاری و سرمایه گذاری اروپا با چین متعادل است در هیچ کشوری، اکثر پاسخ دهندگان، تجارت اروپا با چین را بیشتر از منافع متضمن خطرات نمی‌دانند. اما، اگر پکن تصمیم به تحویل مهمات و تسلیحات به روسیه بگیرد، بسیاری از اروپایی‌ها این را خط قرمز می‌دانند. به طور متوسط، ۴۱ درصد حاضرند چین را در پی آن تحریم کنند.

یافته دیگر نشان می‌دهد که جنگ روسیه علیه اوکراین شاهد بازگشت رهبری آمریکا به اروپا بوده است. ۳۲ درصد معتقدند که آمریکا متحدی است که منافع و ارزش‌های مشترکی با اروپا به اشتراک می‌گذارد و ۴۳ درصد شرکت کنندگان آمریکا را شریک ضروری می‌دانند که اروپا باید از نظر استراتژیک با آن همکاری کند.

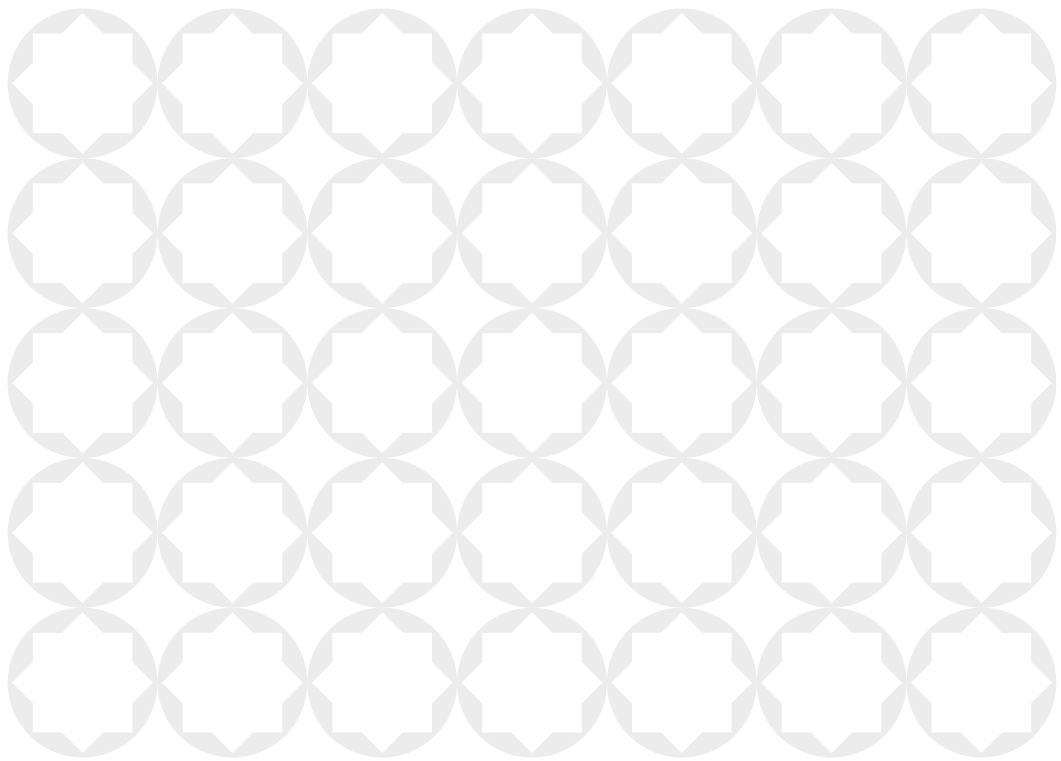




جمع بندی

آمریکا از شرایط جنگ اوکراین برای پررنگ تر کردن رقابت استراتژیک میان خود و چین و در اولویت قرار دادن آن برای متحدینش خصوصاً در اروپا استفاده کرده است. چهار خط روایت درهم تنیده مرتبط با جنگ اوکراین فاصله میان اروپا و آمریکا را برای همراهی در جنگ علیه چین پر کرده اند. ناتوانی اروپا در دفاع از خود و وابستگی آن به آمریکا، قراردادن چین به عنوانی کشوری اقتدارگرا در کنار روسیه که می تواند امنیت دموکراسی ها و غرب را تهدید کند. پررنگ کردن استفاده تسلیحاتی روسیه از انرژی و امکان به خطر افتادن امنیت انرژی اروپا در وابستگی به انرژی های نوظهور که چین رهبری جهانی آن را بر عهده دارد (در کنار پررنگ کردن این روایت فرعی که چین در سالهای اخیر از اقتصاد خود استفاده سیاسی کرده است) و نهایتاً پررنگ کردن اقدامات اقتصادی چین برای تداوم جنگ روسیه در کنار روایت های قبلی نهایتاً اروپا را وارد کرده است که از سیاست های مهار و کنترل چین آمریکا پیروی کند.

به طور کلی، فرض آمریکا بر این بوده است که هرچه شرکا و متحدان آمریکا روسیه و چین را به عنوان تهدیدهای مشابهی درک کنند، احتمال موفقیت آمریکا در ایجاد یک سیاست مشترک چین با آن ها بیشتر می شود، چیزی که شرکای اروپایی قبلاً در مورد آن تردید داشتند. علاوه بر این اعتماد به آمریکا که در دوران ترامپ و برخی دیگر از سیاست های دولت بایدن آسیب دیده بود در پی همراهی آمریکا با اروپا برای دفاع از خود می توانست ترمیم و احیا شود. دولت های اروپایی دیدگاه های متفاوتی درباره رویکرد اروپا به چین دارند و فون در لاین و ماکرون در دو طرف طیف قرار دارند.



ISA CENTER
International & Strategic
Analysis Center